درنگ

غایب مدرسه است زندگی

ایسنا: دانش‌آموزان در سال‌های مدرسه باید بتوانند همه چیز را به‌خوبی به ذهن بسپارند. آنها شعرهای کتاب ادبیات‌شان، نام کوه‌ها و جنگل‌های کشورشان، مفاهیم اجتماعی، فرمول‌های ریاضی و فیزیک و حتی مفاهیم دینی را نیز حفظ می‌کنند. آنها انبانی از اطلاعات هستند. البته اگر به‌خوبی توانسته باشند. آنها را فرا بگیرند. اما نمی‌دانند آنچه آموخته‌اند، چه ارتباطی با روزگارشان دارد.

پرسش اساسی این است که آیا آنچه در مدرسه آموزش داده می‌شود، توانسته است افراد را برای زندگی، انتخاب شغل و حضور در جامعه آماده کند؟ از طرفی می‌بینیم که در نظام تعلیم و تربیت و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده که دانش‌آموزان باید متناسب با استعدادهای خود پرورش یابند تا بتوانند افراد کارآمدی برای جامعه باشند. شاید بتوان گفت مسائل به‌درستی در اسناد تدوین شده، اما چنان آرمان‌گرایانه است که حتی امکان ارزیابی وضع موجود با اسناد بالادستی برای کارشناسان دشوار و مبهم به نظر می‌آید.

برای بررسی ابعاد این موضوع سراغ دکتر احمدرضا اقرار، نویسنده و پژوهشگر علوم تربیتی رفتیم. او می‌گوید: وقتی فرد نسّاه خردورز دارد، قبل از اینکه بداند چه می‌خواهد، می‌تواند بداند چه نمی‌خواهد. گویی نخواسته‌های شما خواسته‌های شما را تعیین می‌کند و این کار انسان متفکر است. اگر جریان اندیشه‌ورز در جامعه‌ای بدنه خود را قوی کند، در مسائل اجتماعی و فرهنگی بهتر می‌تواند مدیریت کند و شرایط خود دیگری پیش می‌رود. این جریان حلقه مفقوده نظام تعلیم و تربیت کشور است. در خانواده هم به همین صورت است. ما در خانواده‌هایی که اقناع وجود دارد، یعنی تعامل، گفت‌وگو و همفکری وجود دارد، به مراتب خانواده موفق‌تر عمل می‌کند. شما در فرهنگ دینی تشیع هم می‌بینید که در واقعه کربلا ما شخصیتی مثل حر را داریم که راه می‌زند، عقب‌نشینی می‌کند، تشکیک می‌کند، گفت‌وگو می‌کند، خودتصحیحی دارد و بازمی‌گردد. ما غالبا درباره این روابط در کربلا تأمل نمی‌کنیم که چه اندازه می‌تواند انسان‌ساز باشد.

او توضیح می‌دهد: در سیستم آموزشی ما تاکید بر حافظه‌محوری است، چراکه کنکور هدف آموزش ماست. مدرسه‌ها با میزان قبولی در کنکور با هم سنجیده می‌شوند. من کمان می‌کنم که یکی از دشمن‌های بزرگ آموزش و پرورش بین‌المللی شدن است. آنها انبانی از سنی عجیب به نظر بیاید. توضیح خواهد داد. فرض کنید پژوهشگری بیاید و بگوید کتاب‌های چاپی را حذف کنیم و به جای آن کتاب الکترونیک بگذاریم و از این به بعد بچه‌ها با تبلت‌ها کار کنند. برای پیشنهاد خود دلایلی هم دارد، مثل اینکه سرعت بیشتری در آموزش خواهیم داشت و اعمال تغییرات آموزشی راحت‌تر انجام می‌شود و دیگر لازم نیست بچه‌ها این میزان کتاب حمل کنند و حتی به سرانه مصرف کاغذ در کشور هم کمک می‌شود. مطمئنا بدانید عده زیادی با این قضیه مخالفت خواهند کرد. چراکه افراد و شبکه‌های بسیاری از این ماجرا سود می‌برند. در مسئله کنکور هم به همین صورت است. افراد زیادی درگیر کنکور هستند که نمی‌خواهند این مسئله سیاه‌اش را از سر آموزش و پرورش کشور کم کند. شما می‌بینید با این هزینه‌هایی که درباره چاپ کتب کنکوری انجام می‌شود، می‌توان دانشگاه تأسیس کرد.

حال این واقعیت هست که کنکور هست و اقتصادی در آن استوار است و ما نتوانسته‌ایم آن را از سر راه آموزش و پرورش کشور برداریم، اما به واسطه این کنکور نخبه‌هایی هم پذیرفته شده‌اند که می‌توان این افراد را در حوزه‌های تعلیم و تربیت به کار گرفت تا بتوانیم در آموزش‌های مکمل دانش خود را توسعه بدهند و در حوزه‌های تعلیم و تربیت جریان‌ساز باشند.

او می‌گوید برای خروج از این وضعیت باید مسئله‌بروری و فکت‌وکو را تقویت کنیم. دانش‌آموزان ما مسئله‌پرور نیستند و این می‌تواند نقطه شروع کار ما باشد. البته لازم است این را بگویم که مسئله با مسائل متفاوت است. شما برای پاسخ سؤال‌تان می‌خواهید در اینترنت جست‌وجو کنید اما مسئله به این سادگی نیست. در مسئله ذهن شما جست‌وجو می‌کند و به سؤالات فرعی رسیده و تا بتواند مسئله را حل کند. و نکته بعدی فرایند فکت‌وکو در آموزش و پرورش کشور است. فکت‌وکو با هم بتوهیدن و حل مسئله کردن است. خلاء این مسئله در دنیای دیگر وجود ندارد. یعنی تفکر با خود یا فکت‌وکوی بیرونی و با دیگران باشد. این مسئله اگر وارد آموزش و پرورش بشود، ما وارد مرحله جدیدی شده‌ایم.

او ادامه می‌دهد: در جریان کارم متوجه شدم در سنین آموزشی باید‌ین‌تر بچه‌ها آمادگی بیشتری برای تفکرورزی دارند. بچه‌ها در کارگاه‌های اندیشه‌ورزی که هرساله در تابستان به ما می‌آیند، بسیار خلاق می‌شوند. به تجارب جدیدی در پژوهش کیفی می‌رسند. موضوع کارگاه، مسائلی مانند سواد مالی، همدلی، جنگ و جهان و... است. در این کلاس‌ها بچه‌ها به واسطه یادگیری معکوس و همان پرسیدن سؤال به روش سقراطی وارد جریانی از فکت‌وکو با هم می‌شوند. در اینجا بچه‌ها اصلا نمی‌توانستند با هم گفت‌وگو و نظورزی کنند. من تا اینجا بحث و جواب رخ می‌داد. ما از قبل به خانواده‌های آنها اطلاع داده بودیم که بچه‌ها ممکن است در جریان کلاس با هم اختلاف پیدا کنند. بچه‌ها گیرکرده‌های مختلفی را برای تعامل‌کردن با هم پیدا می‌کردند. در پایان ما علاوه بر نوآوری، به همدلی بچه‌ها در جریان کارگاه توجه می‌کردیم و برای‌مان مهم بود چه اندازه در جریان تعاملی برای انجام امور می‌توانند با هم کنار بیایند. تصور کنید این جریان وارد آموزش و پرورش کشور، شما می‌بینید نسلی آموزش می‌بینند که در بزرگسالی و خدمت شغلی انسان‌های کارآمد و مؤثری هستند.

او معتقد است: فراموش نکنید که ساختار تعلیم و تربیت ما فقط آموزش و پرورش نیست. بلکه ما محتوایی از دروس پنهان در زندگی افراد داریم که بسیار مؤثرتر از آن است که در آموزش و پرورش می‌آموزند. مثلا موسیقی می‌تواند محتوی آموزش پنهان باشد. سینما و فضای مجازی و بازی‌های الکترونیک. حال اگر برنامه درسی پنهان محتوایی غیراخلاقی داشته باشد، جامعه خرد دست است. به طور مثال در برنامه خانه مادربزرگ که قرار ازشمندی از خانم برومند بود، نشان داده می‌شد که کره بنا کار سک، جوجه و دیگر حیوانات تحت نظر مادربزرگ زندگی می‌کردند و مسائل‌شان حل‌وفصل می‌شد یا در قصه پینوکیو بچه‌ها می‌فهمیدند که اگر به دنبال اخلاق خود، زندگی بهتری خواهند داشت. در این قصه اخلاق ارسطویی خواهد داشت اما در نسخه جدیدی که هالیوود بازنویسی کرده بود، رویاه مکار دختری خوش و زیبا ترسیم شده بود. می‌بینید با هنر چگونه می‌توان در فکر بچه‌ها تغییر ایجاد کرد. باید دید بچه‌ها می‌ما و چه چیزهایی همنشین شده‌اند. شما با هرچه عجیب شوید، آن دانش و دریافت بخشی از شما خواهد شد. بچه‌های ما با هچ همنشینی دارند و با چه زمان زیادی از روزشان را سپری می‌کنند. بازی‌های اینترنتی، فضای مجازی و... وضعیت زیست و زندگی آنها را تشکیل داده است. بچه‌ها ما در فضای مجازی اگر هرآماد، حجم اطلاعات غلط و نامناسب با سن آنها، زیادی که برای فضای مجازی می‌گذارند، مانع بزرگی برای تفکر صحیح آنها خواهد بود.

بررسی تبعات مختلف FATF در میز اقتصاد روزنامه «شرق»

نپذیرفتن FATF یعنی گروگان‌گیری اقتصاد و مردم

روح‌الله رضایی

ایران، میانمار (برمه) و کره شمالی، سه کشوری در دنیا هستند که در لیست سیاه کروه ویژه اقدام مالی (FATF) قرار دارند. پیوستن ایران به این کروه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور در سال‌های اخیر و از وعده‌های اساسی دولت پزشکیان بوده است. موضوع پیوستن ایران به FATF سال‌هاست در محافل سیاسی و اقتصادی کشور مورد بحث و بررسی قرار دارد. این کروه بین‌المللی با هدف مبارزه با جرائم مالی همچون پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم تشکیل شده و مجموعه‌ای از استانداردها و توصیه‌ها را برای کشورهای عضو تدوین کرده است. مخالفان پیوستن به FATF بر این باورند که اجرای استانداردهای این کروه، استقلال مالی کشور را به مخاطره انداخته و زمینه را برای مداخلات خارجی در امور داخلی ایران فراهم خواهد آورد. همچنین آنها نگران هستند که پیوستن به FATF منجر به اعمال محدودیت‌های بیشتر بر فعالیت‌های اقتصادی کشور شده و در نهایت به زیان اقتصاد ملی تمام شود. در مقابل، موافقان پیوستن به FATF معتقدند اجرای استانداردهای این کروه می‌تواند به بهبود روابط اقتصادی ایران با جامعه جهانی، کاهش هزینه‌های ناشی از تحریم‌ها و افزایش شفافیت در نظام مالی کشور کمک شایانی کند. به باور آنان، نپیوستن به FATF به منزله منزوی‌ترشدن ایران در عرصه بین‌المللی تلقی شده و در بلندمدت به زیان منافع ملی خواهد بود. حضور ایران در لیست سیاه FATF سالانه میلیاردها دلار به اقتصاد کشور آسیب می‌زند. آن‌هم در شرایطی که ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند. این نشست با هدف بررسی ابعاد مختلف FATF و ضرورت و اهمیت پیوستن ایران به این نهاد بین‌دولی و در برنامه میز اقتصاد، با حضور سیدکمال سیدعلی (معاون ارزی بیشین بانک مرکزی)، کروش احمدی (دیپلمات بازنشسته ایرانی) و محمود جامساز (اقتصاددان و استاد دانشگاه) انجام شده است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

عکس: عباس قزوینی‌نژاد

تعاریف مختلفی از FATF می‌شود، برخی آن را سازمان و برخی آن را کروه اقدام مالی یا یک نهاد بین‌المللی می‌دانند. FATF چیست و پیوستن ایران به این نهاد چه ضرورتی دارد؟

کروش احمدی: FATF همان‌طور که از اسم آن هم برمی‌آید، یک TASK FORCE یا همان کروه اقدام مالی است که پسرو تصمیم کروه هفت (GY) به وجود آمد. این کروه در ابتدای امر تمرکزش روی پول‌شویی بود. FATF یک نهاد بین‌دولی‌ست یا به تعبیری نهاد بین‌المللی است اما زیرمجموعه سیستم ملل متحد نیست. برخی نهادهای بین‌دولی هستند که دولت‌ها آن را تشکیل دادند و عمدتا هدف‌شان وضع مقررات، رویه‌ها و توصیه‌هایی به کشورهاست تا نظام بین‌الملل نظم و انتظامی پیدا کند. سابقه آن به اواسط قرن نوزدهم برمی‌گردد. دولت‌ها در برخی حوزه‌ها (مانند حوزه بهداشت و جلوگیری از انتشار ویروس‌ها و میکروب‌ها) که پرداختن به آن و هماهنگی با یکدیگر برای‌شان ضرورت داشت، تصمیم گرفتند تا در ورای مرزهای ملی، همکاری‌هایی با هم داشته باشند. بنابراین لازم دیدند که در حوزه قرنطینه و اطلاع رسانی، درباره شیوع بیماری‌ها در داخل مرزها و... مقررات بدوی و اولیه‌ای شکل بگیرد. برای اینکه کشورها ملزم باشند به آن عمل کرده و با هم همکاری کنند. هر قدر جلوتر آمدیم، همکاری‌هایی از این دست افزایش پیدا کرد و امروز در دنیایی هستیم که به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده است، یعنی مرزهای ملی خیلی کمرنگ شده. مسائلی که در داخل کشورها اتفاق می‌افتد، در داخل کشورها محدود باقی نمی‌ماند. در روز شاید بیش از صد هزار پرواز انجام می‌شود که حدود شاید ۱۰ میلیون مسافر هوایی به صورت روزانه از این سر جهان به سوی دیگر جهان نقل مکان می‌کنند. بنابراین یک بیماری مانند ویروس کرونا یا مسائلی ازجمله پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم یا به خطر افتادن محیط زیست و تخریب آن در داخل مرزهای ملی محدود نمی‌ماند و در نتیجه کشورها لازم است که با همدیگر همکاری کنند. ازاین‌رو به مجموعه مقرراتی نیاز است تا کشورها در سطح جهانی و با تشریک مساعی با یکدیگر، وضع کنند و به آن پایبند باشند. مثال بارز آن را در فوتبال هم می‌توانید مشاهده کنید، یعنی در فوتبال یک فدراسیون بین‌المللی وجود دارد که در این فدراسیون بین‌المللی، نمایندگان برخی کشورها که از اینجا انتخاب شده‌اند، درباره قوانین فوتبال تصمیم می‌گیرند و اساسنامه و مقرراتی تنظیم می‌کنند. در اینجا کشورها یا باید به این مقررات عمل کنند یا از مسابقات بین‌المللی کنار بکشند و چاره دیگری وجود ندارد. FATF هم برای این منظور به وجود آمده که سیستم بانکی بین‌المللی را از طریق وضع مقررات در برابر پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم محافظت کند. چون اگر پول حاصل از اعمال خلاف در کشور (الف) از سوی عده‌ای خلافکار یا جنایت‌کار جمع‌آوری شده، این پول که به صورت نقد هست، اگر راحت بتواند وارد سیستم مالی سیستم بانکی کشور مدنظر شود، از آن طرف به کل سیستم‌های بانکی بین‌المللی منتشر می‌شود، یعنی اگر این پول وارد سیستم بانکی کشور (الف) شد، وارد سیستم بانکی کشور (ب)، (ج) و... شده و نهایتا همه سیستم‌های بانکی را به خطر می‌اندازد. کسانی هم که این تصمیم را گرفتند، تنها محدود به کروه هفت (GY) نبود، بلکه طیف متنوعی از کشورها این توصیه‌ها را تصویب و اعلام کرده‌اند. این نکته بسیار مهمی است که ۴۰ توصیه FATF درباره جلوگیری از تأمین مالی تروریسم و... از سوی یک مجموعه و مرکب از طیفی از کشورها تصویب و اعلام شده است؛ یعنی آمریکا و انگلیس در میان این کشورها هستند. در مقابل آن روسیه و چین هم هستند. کشورهای اروپایی مشارکت داشته‌اند و در مقابل اندونزی، مالزی، آفریقای جنوبی و... هم نقش داشتند. به عبارت دیگر طیفی از کشورها این مقررات و توصیه‌ها را در جدال با یکدیگر تدوین کرده و این توصیه‌ها به نحوی شکل گرفته که به‌عنوان مبانی FATF در حال توسعه آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین در مقابل کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی اصلا اجازه نمی‌دهند نکته یا مقرراتی که فقط تأمین‌کننده منافع شمال یا کشورهای غربی باشد، وارد این مقررات شود.

درطول سال‌هایی که FATF تأسیس شده و کشورها به آن پیوستند و متأسفانه ایران برای پیوستن به این کروه اقدام مالی به جمع‌بندی نرسیده است، چه چالش‌هایی در حوزه مالی و ارزی به وجود آمده است؟

سیدکمال سیدعلی: همان‌طور که گفته شد، این کروه اقدام مالی در سال ۱۹۸۹ ایجاد و بحث توصیه‌هایی اعلام شد که کشورها چه کاری انجام دهند تا مورد سوءاستفاده مالی قرار نگیرند. سوءاستفاده مالی یعنی لیبل پول حاصل از خیروفروش مواد مخدر، پول‌شویی و قاچاق اسلحه وارد سیستم بانکی کشورهای عضو شود. در واقع مقرر شده تا زمینه‌هایی برای این پول مدیریت شود و این پول‌شویی از طریق KYC یعنی شناخت مشتری مورد شناسایی قرار گیرد. اگر منشا این پول مشخص شود، سیستم بانکی تقریبا توانسته است با دیدا تعاملات خودش را انجام دهد. مسئله دیگر این است که کشورها می‌خواهند کشوری مانند ایران و سیستم بانکی‌اش روابط کارگزاری برقرار کند. برای این کار همان‌طور که در زمان معاملهٔ با کشوری ریسک آن را بررسی می‌کنیم، درباره سیستم بانکی هم کارگزاری که می‌خواهد روابط بانکی با ما برقرار کند، نه وفاه نخست بررسی می‌کنند که به‌عنوان مثال بانکی که می‌خواهد با ما کار کند، آیا قابلیت سرمایه را رعایت می‌کند؟ آیا این‌قدر پول دارد که بتواند مطابق اعتبار اسنادی که برای آن گشایش شده، پرداخت کند؟ آیا فرد وارسنگته نیست مفاد را مشابه مالی FATF هم بسیار مهم است. مسئله بی‌اخلاقی یا مبارزه با تأمین مالی تروریسم هم در همین راستا مطرح می‌شود. اما باید این را بفهمیم که FATF تنها برای ما درست نشده، بلکه برای همه کشورهای دنیاست و رعایت توصیه‌های آن به نحوی الزامی است. اما وقتی در مجلس، مسجد تشخیص مصلحت نظام، دولت و در وظایف سیاسی مخالفت می‌کنیم، در واقع دارم خودزنی و خودتحریمی می‌کنیم. امروز آمریکا سیستم بانکی کشور ما را تحریم کرده و ما در زمینه‌های مختلف از آن آسیب می‌بینیم. اما بعضی‌ها که مخالف هستند، معلوم نیست منظورشان برای چه است. یعنی می‌خواهند بگویند که می‌زنند، این است که می‌گویند حال که تحریم هست، پس FATF را هم تایید نکنیم. این حرف درست نیست. اگر شعارهای ضدیت با FATF که شامل تمامی مسائل مالی، تعامل با غرب، اصلاح اقتصاد زیرزمینی و... بود، نگاه کنید، بلند توصیه‌های FATF را رعایت کنیم.

مسئله پیوستن به FATF از اوایل دولت‌های نهم و دهم مطرح شده است و حتی برخی که در آن زمان به مسئولان برای فراهم‌کردن مقدمات پیوستن به FATF توصیه می‌کردند، بعدها و در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به مخالفان آن تبدیل شدند. البته بعدا اعلام کردند که اگر روحانی رئیس‌جمهور نبود، شاید با پیوستن ایران به این کروه اقدام مالی موافقت می‌کردند. سؤال من از شما بانکی بود که اقتصاددان این است که پیوستن ایران به FATF چه هزینه‌هایی را بر ایران و مردم تحمیل می‌کند؟

سیدعلی: نکته درستی مطرح شد که مسئله زیادی پرداخت می‌کنیم. هزینه‌ها به این صورت است که هزینه نقل‌وانتقالات از سیستم بانکی خارج شده است. زمانی ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگزار بانکی در دنیا داشتیم و همه کارگزاران این کشورها در بانک مرکزی برای دریافت یک اعتبار اسنادی، ضمانت‌نامه یا فاینانس خصوصا داشتند. حتی اگر بدانند بانک، بعد از برخام زیاد در هتل‌ها ما حتا بود برای ما بتواند توافق اعتبار تجاری خود را با غرب درست کنیم. هزینه‌های FATF این‌گونه محاسبه می‌شود، سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار (با در نظر گرفتن قاچاق و خروج سرمایه) کشورهای مالی دارید و یکی از مضرات نپیوستن به FATF و تحریم‌ها این بوده که ما سالیانه چهار میلیارد دلار کارمزد بانکی این تراکنش‌های مالی بوده است؛ یعنی چهار میلیارد دلار از سیستم بانکی محروم کردیم. یکی از دلایل ناترازی بانک‌ها، این است که نمی‌توانستند کارمزد دریافت کنند. کارمزدها در جاهای دیگر و با قیمت‌های متفاوت در صرافی‌های خارج از کشور و تراکنش‌ها دریافت می‌شود. نکته بسیار مهمی که وجود دارد، این است که هیچ بانکی با این کار نمی‌کند. کشورها در مذاکراتی به معاون رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهور و یا افرادی درمیان می‌گویند می‌خواهیم با شما کار کنیم اما بانک‌ها می‌ترسند. کشورها خصوصی هستند. بانک خصوصی که با ایران و با غرب معامله می‌کند، می‌داند که ایران عضو FATF نیست و این ریسک را نمی‌کند که فردا از او سؤال کنند چرا با ایران کار کردید که علاوه بر موضوع تحریم FATF نیست. حتی کشورهایی مانند عراق یا کشورهای دیگر آن‌طرف‌تر مانند مالزی و ... عقب بیفتد تا با ایران کار کنند. هیچ‌کدام با ما به دلیل و به بهانه FATF، علی‌رغم خواست دولت‌شان، کار نمی‌کنند. بعضا تبلیغاتی در کشور صورت می‌گیرد که عضو سازمان همکاری اقتصادی شانگهای، بریکس و... هستیم. اما بدون FATF از جامه فاضلی استفاده می‌توانیم بهره‌مند شویم؟ اما می‌توانیم برای مثال با هند، برزیل یا حتی چین معاملات و مبادلاتی داشته باشیم؟ چین همه معاملات خود را از طریق امارات یا با انجام می‌دهد. سیستم بانکی چین حراض نیست مستقیما اعتبار اسنادی بازکند یا اعتبارنامه بگیرد. برای بانکی که کوچک داخلی یا ما کار می‌کند. این معدود بانک‌های کوچک داخلی به دلیل کارمزد زیادی که دریافت می‌کنند، با ایران کار می‌کنند. در کدشته آمدها نشان می‌داد بین مثلا ۱۵ تا ۲۵ درصد کارمزد می‌گیرند. این هزینه‌ها از کجا تأمین می‌شود؟ این هزینه‌ها از جیب چه کسی خارج می‌شود؟

همه کالاهایی را که وارد می‌شود. کرایه‌ای می‌خریم و صادرات ما هم ارزان‌تر انجام می‌شود. نکته دیگری که وجود دارد، این است که داریم با پیش‌پرداخت خرید می‌کنیم. وقتی با پیش‌پرداخت خرید می‌کنید، یعنی سه ماه یا چهار ماه بعد ممکن است این کالا حمل شود. حال سؤال این است که سود چهارماهه این پول کجا می‌رود؟ برای روش‌ترشدن این مسئله باید سراغ مدیران بین‌الملل بانک‌ها برویم و آنها را جلوی بعضی از نمایندهای مجلس و بعضی از آقایانی که در مجمع تشخیص مصلحت روش‌ترشدن این مسئله باید سراغ مدیران بین‌الملل بانک‌های کشور به آن قیمت مخالفت می‌کنند، بگذاریم تا ببینند بخش بین‌الملل بانک‌های کشور چه مشکلاتی در بانک مرکزی و سیستم بانکی از عدم پیوستن به FATF متحمل می‌شوند چه داده است؟ اسمش این است که ما شریک استراتژیک هستیم. ما خودمان را شریک استراتژیک می‌دانیم اما آیا روسیه و چین هم می‌دانند؟ یکی از وظایف اصلی شرکای استراتژیک چیست؟ این است که اگر تمامیت ارضی کشوری در خطر افتاد، حمایت کنند. اما این کشورها ادعای واهی برخی کشورهای منطقه درباره جزایر سه‌گانه را تایید کردند؟ اینها حاصل سیاست‌های تابع‌رانه و ضعیفی است که منافع ملی را دربرنمی‌گیرد. ایدئولوژی منافع ملی نیست. باید اول منافع ملی را درنظر بگیریم. این همه درآمد و منابع کجا می‌رود؟ یک تاریخ‌کاه اقتصاد داریم. در این اقتصاد تحولات وتبدیل پول و ارزی انجام می‌شود که کسی خبر ندارد. آن‌قدر نامشخص که وزیر نفت دولت یازدهم و دوازدهم که باید اشراف کامل داشته باشد، می‌گفت نمی‌دانم درآمد نفتی چقدر است؟ وقتی درآمد نامشخص باشد. عواقبش را در وضعیت اقتصادی کشور می‌بینید. سیستم FATF خودش یک مسئله است که دیگر میهمانان این نشست به مضرات نپیوستن به FATF اشاره کردند. اما فرض کنیم این مسئله هم حل شد. بانک‌های کشورهای چینی، حتی کشورهای شرقی که عضو شانگهای و بریکس هستند، ما با آن‌ها کار نمی‌کنند. بانک‌های چین تمام پول‌هایی را که داریم بلوکه کردند. چراکه از تحریم‌های آمریکا بیروی می‌کنند. اگر از تحریم‌های آمریکا بیروی نکنند، حتی اگر ما بتانند بانک دوبیاید باشد که جزء بانک‌های بزرگ است. میلیاردها دلار جریمه می‌شود. بنابراین حتی اگر FATF هم حل شود، تحریم‌ها مسئله‌ساز است. باید مسئله را در صورت بنیادی حل کنیم. نهادهای ما ضعیف است. اقتصاد ما خاکستری است. این بر سر راه ترانزیت مواد مخدر جنایی است. این فرکتاری در داخل باید حل شود. اگر تکلیف شود، اقتصاد شفاف می‌شود. شما زمین رجسم هم شفافیت بوده است. شفافیت مالی از سیستم بانکی می‌توانند کنترل شود.

حتی که روابط خوبی با ایران دارند، پول کارمزد بیشتر است به شاید هرقدر می‌توانند پول و مبادلات کشورهای بزرگ، برای بلوکه کشورها هم همین طور است. به شاید هرقدر می‌فروشیم، نرخ دیگری مطابق کشور آسیب می‌بیند و در جایی هم که هدفمان می‌کنیم مثل کر قضیه مترب است. بانک‌ها اسنادی را برای ایران در نظر رفته و توصیه کرده که آن را اجرا کنند که شامل ۹۰ بند است. یک بند مهم آن پیوستن ایران به کنوانسیون های پالرمو و مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. ضمنا اشاره کرده که اگر ایران این دو عضو بشود، ما به آن تعامل خواهیم کرد. چرا در برداشتن ایران از لیست اقدامات تقابلی اقدام می‌کند. بنابراین ضرفنظر از مواد دیگری که گفتار بسیاری درباره آن انجام داده‌ام FATF هم استقبال کرد. این دو مؤرد هم برای FATF مهم است؛ این دو مورد یعنی CFT و پالرمو که در توصیه شماره ۳۶ به آن اشاره شده و درباره همکاری‌های بین‌المللی است. این دو موارد از کنوانسیون‌ها خواسته شده و به اعتبار توصیه است که عضو جهاز کنوانسیون مبارزه با فساد، کنوانسیون مبارزه با قاچاق، کنوانسیون پالرمو مربوط به تامین مالی تروریسم و همین کنوانسیون پالرمو در مورد جنایات فراملی سازمان‌یافته شوند. این به دو کنوانسیون مبارزه با فساد و کنوانسیون مبارزه با قاچاق مخدر شده است و در آن کنوانسیون‌ها بحث پول‌شویی هم هست. یعنی پول‌شویی به پالرمو اختصاص ندارد.

درباره اینکه چرا به CFT و پالرمو ملحق نمی‌شویم. باید گفت که دولت یازدهم آن دو مؤرد را در مجلس هم تصویب شد و نهایتا به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان دو ایراد فرعی از آن گرفت. شورای FATF با تعریف تروریسم مشکل داشتند که در جزء ۵ بند یک ماده ۲ آمده‌اند. من‌گفتند این در مقام دفاع ملی‌مجوز است و با شرع مغایرت دارد. این ایراداتی بود که شورای نگهبان به CFT گرفت و نهایتا این در مجمع تشخیص مصلحت باقی‌ماند. درمورد پالرمو هم به مغایرت با بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی اشاره کردند. بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام اشاره دارد. این اشاره شورای نگهبان مبهم است و هیچوقت آن را نگرفتند که چه مغایرتی بین پالرمو و سیاست‌های کلی است؟ این تعریف تروریسم که شورای نگهبان به آن ایراد گرفته یک تعریف بین‌المللی است و تروریسم را این‌گونه تعریف می‌کند که هرگونه واردکردن صدمه یا کشتن غیرنظامی یا افرادی خارج از منازعه مسلحانه که با هدف ارعاب مردم یا بسترپذیر مقاصد سیاسی و تحمیل سیاسی به دولت باشد. تروریسم است. این تعریف تروریسم با تعریف کنوانسیون سازمان کنفرانس همکاری اسلامی قدری تفاوت دارد و جنبش‌های آزادی‌بخش را در بخش‌هایی از آن مستثنا کرده است. اما تمام کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی به CFT پیوستند. از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل ۱۸۸ کشور CFT را تصویب کردند. تنها کشورهایی از جمله ایران، کوبا، گواتوانو جاد، سومالی و این تیپ کشورها آن را تصویب نکردند و تنها کشور شاخص در این میان ایران است. مسئله‌ای که به شدت ابهام‌هایی می‌کند این است که در بهمن سال ۱۴۰۱ کنوانسیون مبارزه با تروریسم، جیلی‌طیبی و افراطی‌گری سازمان همکاری شانگهای را تصویب کردیم. یعنی برای اینکه به سازمان همکاری شانگهای ملحق شویم. اسناد آن را باید تصویب می‌کردیم و یک ماده واحده در بهمن سال ۱۴۰۱ و اسناد ۴۵گانه جمع‌آوری و به مجلس داده شد که یکی از آنها سند مبارزه با تروریسم سازمان شانگهای بود و تصویب شد. در حالی که در کنوانسیون مبارزه با تروریسم سازمان همکاری شانگهای تعریفی از تروریسم شده که به‌غایت تندتر از تعریف CFT است. یعنی در تعریف CFT کشش یا ایراد جرح شدید به غیرنظامیان و افراد خارج از درگیری‌های مسلحانه در تعریف شانگهای آمده و واردکردن خسارت عمده به سازمان‌ها و تأسیسات و امکانات کشوری هم آمده است. در صورتی که این در تعریف CFT نیست. اما در چهارم بهمن مجلس آن را تصویب کرد و فردای آن روز در شورای نگهبان عینا تایید شد. اما اگر مشکل ما با تعریف تروریسم است، چرا این تعریفی را که ملایم‌تر است، نمی‌پذیریم اما آن تعریفی را که از CFT شدیدتر و تندتر است، در سازمان شانگهای می‌پذیریم. یک موضوع دیگر این است که مخالفان می‌گویند اگر به CFT ملحق شویم، به بعضی از کروه‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش نمی‌توانیم کمک کنیم. درحالی‌که این مسائل ربطی به هم ندارد. برای اینکه کمک به کروه‌های موردنظر با رفتن به بانک و از طریق سیستم بانکی انجام نمی‌شود. ضمنا آن کشورهایی که مبدا هستند مانند عراق، لبنان، سوریه، یمن و... همگی به این کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند. اگر مشکل ما برای پیوستن به CFT این است، باید بپنیم که کشورهای مقصد به این کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند. اینها تناقضات و تعارضاتی است که مخالفان پیوستن به FATF به آن جواب نمی‌دهند. در مواد ۵، ۶ و ۸ کنوانسیون پالرمو به کشورها گفته می‌شود پول‌شویی را غیرقانونی کنید. عضویت در کروه‌های سازمان‌یافته فراملی را غیرقانونی کنید و سه، چهارم مسئله دیگر از این نوع را اعلام کرده است یعنی می‌گوید ترتیباتی اتخاذ کنید و مقرراتی وضع کنید برای آنچه به پول‌شویی مربوط می‌شود و باعث می‌شود سازمان‌های جنایتکار فراملی نتوانند با دست باز در کشور شما عمل کنند. سؤال این است که در شرایطی که پول‌شویی و عضویت در سازمان‌های فراملی در ایران ممنوع شده است، چه مشکلی با پیوستن به پالرمو وجود دارد. ایراد دیگری که مخالفان می‌گیرند به موضوع همکاری‌های بین‌المللی است. می‌گویند این کنوانسیون‌ها و FATF از ما می‌خواهند که همکاری بین‌المللی داشته باشیم. پاسخ این است که ایران همکاری بین‌المللی دارد. ما از طریق پلیس بین‌الملل در مبارزه با جنایات و عمل سازمان‌یافته با فردی همکاری داریم. در توصیه‌های ۳۶ تا ۴۰ FATF که بحث همکاری‌های بین‌المللی ذیل این توصیه‌ها آمده است که اعضا باید با کشورهای دیگر مخاصمت قضایی داشته باشند یا استرداد مجرمان را حل کنند. دوایر انتظامی‌شان با دوایر انتظامی کشورهای دیگر همکاری داشته باشند. همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه‌هاست که از قبل و از سال ۱۳۰۹ در قوانین ما مخاصمت قضایی یعنی همکاری دستگاه‌های قضایی ایران با دستگاه‌های قضایی بین‌المللی پیش‌بینی شده است. می‌گویند ۱۵ میلیون پرونده در دستگاه قضایی وجود دارد. اگر ۱۰ درصد یا حتی یک درصد این پرونده‌ها را به‌گونه‌ای در نظر بگیریم که ممکن است یک ربط خارجی داشته باشد یا غیرسازمان‌یافته داشته باشند، یعنی برای ۱۵۰ هزار پرونده با حداقل ۱۵ هزار پرونده یا کشورهای دنیا کار می‌کنیم. این همکاری به صورت موردی است. یعنی مثلا یک شخصی در ترکیه متهم است که فلان جنایت را انجام داده است. آنها از دستگاه قضایی ما می‌خواهند اما دستگاه قضایی ما اتوماتیک ملزم نیست کاری را که آنها می‌خواهند، انجام دهد. دستگاه قضایی به دادگاه محول کرده و نهایتا رای قاضی یا ارائه اسناد مشنه از سوی کشور مبدا تعیین‌کننده است. چیزی که در این کنوانسیون‌ها و FATF خواسته شده این است که ترتیبات مبنایی، اصولی و اساسی را در قوانین پیش‌بینی کنید که بتوانید با کشورهای دیگر همکاری داشته باشید و این همکاری‌ها در چارچوب منافع ملی و در چارچوب مقررات و قوانین ملی است. اساسا ماده ۳ کنوانسیون پالرمو بر حاکمیت ملی کشورها تاکید می‌کند و اعلام می‌کند در ارتباط با هیچ‌کدام از مواردی که در این کنوانسیون مطرح می‌شود. هیچ کشوری حق ندارد را ساحل و خودسرانه در امور کشور دیگری دخالت کند. اینها همه پیش‌بینی شده اما مسئله این است که مخالفان به ما جواب نمی‌دهند و آقایانی که می‌گویند پالرمو و CFT به است، وقتی این مسائل را مطرح می‌کنیم، هیچ‌وقت به این‌گونه مباحث وارد نمی‌شوند. مخالفان FATF اعلام می‌کنند که چون تحریم هستیم، نمی‌توانیم به کنوانسیون‌ها بپیوندیم. اما کشورهای متعددی از جمله کوبا، ونزوئلا، چین از جهاتی، روسیه، سوریه و... تحریم هستند. ولی هیچ‌کدام به خاطر تحریم مخالفتی با عمل به کنوانسیون‌های FATF نداشتند.

**عباس آخوندی در مناظره اخیری که داشت به این موضوع اشاره کرد که در دولت ۱۲ میلیارد دلار منابع بلوکه شده ایران در چین وجود داش